

ستاره درخشان یا نجم الثاقب (در احوال امام غایب)

تألیف: میرزا حسین طهرسی



انتشارات تک تاج

www.ketab.ir

سرشناسه	نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۲۵۲ - ۱۳۲۰ ق.
عنوان و نام پدیدآور	ستاره درخشان، یا نجم الثاقب (در احوال امام غایب) / تألیف حسین طبرسی.
مشخصات نشر	تهران: تکتاج، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۶۶۶ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۵۶۶-۶۸-۰ : ۲۳۵۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "... نجم الثاقب: مشتمل بر احوال امام غائب حضرت بقیه الله صاحب العصر و الزمان عجل..." توسط انتشارات علمیه اسلامیة در سال {۱۳۶۳} و سپس در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
عنوان دیگر	... نجم الثاقب: مشتمل بر احوال امام غائب حضرت بقیه الله صاحب العصر و الزمان عجل. ...
موضوع	محمد بن حسن (عج)، امام نوازدهم، ۲۵۵ ق -
مولف	مهدویت
بندی کنگره	الف ۱۳۹۲ ن ۹۲۷/۲ BP۵۷
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۵۹
شماره کتابشناختی	۲۲۷-۲۷۷
شماره کتاب ملی	۲۲۷۲۲۸۱
رده بندی ده	ب ۱۳۹۲ ج ۲/۱/۲ BP۲۷
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۷۳
شماره کتابشناسی ملی	۲۲۶۴۹۲۲

☐ ستاره درخشان یا نجم الثاقب (در احوال امام غائب عجل)

☐ تألیف: میرزا حسین طبرسی

☐ چاپ اول: ۱۳۹۲

☐ قطع و تعداد صفحات: ۶۶۶ صفحه وزیری

☐ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

☐ بها: ۳۵۰۰ تومان

☐ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۵۶۶-۶۸-۰



انتشارات تکتاج

فهرست

۷	مقدمه و پیشگفتار
۱۹	باب اول
۴۵	باب دوم
۱۱۱	باب سوم
۱۵۱	باب چهارم
۱۹۵	باب پنجم
۲۴۷	باب ششم
۲۷۳	باب هفتم
۵۴۹	باب هشتم
۵۵۹	باب نهم
۵۶۷	باب دهم
۶۱۹	باب یازدهم
۶۴۵	باب دوازدهم

مقدمه و پیشگفتار

سیاس بیرون زندان و فطرس، سزاوار قائمی است بالذات، غایب از عالم اندیشه و حواس و ستایش بی حد و احصاء لایزال صاحب است ماء موم و مرتجی، در زمان شدت و رخاء. هادی است هر آنچه را که پدید می آید و دلیل است مر آن را که به فرمانش عمل نمود و درود بی نهایت به روان پاک نخستین تسخیر دهنده به بلی و برگزیده ایزد بی چون، پیش از پوشیدن بر آدم، خلعت اصطفا را، فاتح ابواب خیر و رشاد، خاتم رسولان پاک نهاد، منصور مؤید، محمود احمد، ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و بر پاکان و پاکیزگان از فرزندان آن سرور پیمبران، خصوصاً بر خلف سلف و صاحب غایب عت و شرف، قطب زمین و غوث زمان، کنز جاء و کشف امان و گوهر تابان در بحر امکان و عجب انوار ایزد سبحان و اسم اعظم الهی پوشیده و پنهان و عنقای قاف، محیط به جهان، دهرس و مانندگان و دادخواه خون برگزیدگان و پاک کننده دامن خاک از لوث ملحدان و فرمانفرما و اسم پاک زمین و آسمان و حجت بالغه خداوندی بر جهان و جهانیان بقیة الله، الحجة بن الحسن بعدی، صاحب العصر والزمان علیه و علی آبائه صلوات الله الملك المنان.

و بعد چنین گوید: بنده مذنب مُسیء، حسین بن العالم المؤید، محمد بن علی النوری الطبرسی أحسن الله تعالی عاقبته و جعل من أشرف الخواتیم خاتمه که عالیجاه، رفیع جایگاه، کمالات اکتناه، مقرب الخاقان، حاجی میرزا حسینعلی خلف غفران پناه، حاجی علی اصغر نوری و فقه الله تعالی لمراضیه حسب سلامتی فطرت و پاکی طینت، در فکر تحصیل زادی برای معاد و وسیله فوزی، در مقام مرصاد برآمد، چنان دید که وسیله ای بهتر از چنگ

زدن به دامن خلیفه الرحمن و امام الانس والجان علیه السلام و خدمتی به آن ولی علی القدر عظیم الشأن نیست.

لهذا در چند ماه قبل، از جناب مستطاب فخر الشیعه و تاج الشریعه و رئیس المسلمین و سید الفقهاء الکاملین و افضل العلماء الراشدين، المنتهی الیه ریاسة الامامية فی عصره، حجة الاسلام حاج میرزا محمد حسن شیرازی، مجاور بلدة طيبة سرمن رأى متع الله تعالى بل الايمان بطول بقائه، مستدعی شد که مقرر فرمایند تا کتاب شریف (کمال الدین)، شیخ امام، (ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه) ملقب به (صدوق) رضوان الله علیه را به زبان فارسی ترجمه کرده تا آن را به حلیه طبع درآورد و در میان اهل ایمان منتشر سازد. جناب ایشان دام ظلّه الی الابد الحق در اجابت آن مسئل، مشورت فرمودند.

معروف داشتم که: عالم فاضل، (سید علی بن سید محمد اصفهانی) معروف به (امامی)، تلمیذ (علامه مجلسی)، کتاب را ترجمه نموده و از اجزای کتاب هشت بهشت اوست که ترجمه هشت کتاب است. چون عیون و امالی و خصال.

و نیز بعضی از فضلا، صاحبان سادات شمس آباد اصفهان، کتاب شریف مذکور را ترجمه نموده و ترجمه دوباره آن را به دست بی فایده، بهتر آنکه همان را منتشر نمایند.

پس، از آن خیال منصرف شدند و از کتاب دیگر صحبت داشتند. سخن به جایی منتهی نشد و مدتی بر این گذشت تا در ماه شعبان گذشته، از سنه ۱۳۰۳ شبی در محضر ایشان حاضر بودم که سخن آن مطلب در میان آمد و باز جای ورود شدند و بالاخره فرمودند: (بهتر آنکه مستقلاً در این باب، کتابی نوشته شود و شش تا از زبانی این خدمت نمایان، شایسته هستی.) اما حقیر به علت قلت بضاعت علمی و کثرت سیلاب پریشانی و حاضر نبودن بیشتر کتابهایم که اسباب انجام این شغل عظیم بود، عرض کردم: خدمت اقدام در این امر خطیر

فراهم نیست و لکن سال گذشته رساله ای مسمی به (جنة الماعون) نوشتم و در آنجا، جمع کردم کسانی را که در غیبت کبری به خدمت امام عصر علیه السلام در آمدند و غیر از آنچه در سیزدهم بحار مذکور است؛ چنانچه صلاح باشد همان را به فارسی ترجمه نموده، موجود در بحار را بر آن بیفزایم؛ کتابی شود لطیف و برآمدن از عهده آن آسان.

این را می را پسندیدند و لکن فرمودند: (اقتصار بر آن نشود. شمه ای از حالات آن جناب نیز به آن منضم شود، هر چند به ایجاز و اختصار باشد.)

حسب الامر المطاع العالی، در انجام این خدمت اقدام نموده با نهایت یأس از حال

خویش، جز آنکه حق مجاورت قباب عالیہ حضرتین عسکرتین علیہما السلام را وسیله کنم و از آن باب عالی استمداد نمایم.

بحمدالله، از برکت آن محل، برکات الهیہ، در اندک زمانی، این خدمت مرجوعہ بہ انجام رسید. شکر حضرت یزدان، جلّ ثناؤہ را بجای آوردم. و نام این نامہ گرامی را نجم الثاقب در احوال امام زمان علیہ السلام گذاشتم و مطالب آن را در ضمن دوازده باب بیان نمودم.

معرفی کتب غیبت و نویسندگان آنها

کتاب السروع در فهرست اجمالی ابواب و دخول در مطالب کتاب، بایست تنبیه نمود بر مقدمه و آن، آن است که کتب متعلق بہ احوال آن حضرت صلوات الله علیہ کہ معروفند بہ (کتب غیبت) بسیار است و آنچه حاضر الوقت از اسامی آنها بہ نظر رسیده:

- کتاب سلفیہ ابی جعفر است از ابوالعباس یا ابوعلی، احمد بن علی رازی خصب آبادی.
- کتاب مختصر فی مناقب آل محمد من القرآن فی صاحب الامر علیہ السلام از ابو عبدالله، احمد بن محمد بن عیاش.
- کتاب ترتیب الادلۃ فیما یلزم من خصائص الامامیۃ دفعہ عن الغیبة والغایب از احمد بن حسین بن عبدالله مہرانی ابی ابوالعباس خراسانی.
- کتاب فی ذکر القائم من آل محمد علیہ السلام از احمد بن رمیح المروزی.
- کتاب المہدی از ابی موسی، عیسی بن مہران.
- کتاب غیبة از حسن بن حمزۃ العلوی الطبری اصفہانی.
- کتاب اثبات الرجعة معروف بہ (غیبت) از ابی محمد فضل بن شاذان نیشابوری.
- کتاب الحجۃ فی ابطاء القائم علیہ السلام از آن جناب.
- کتاب ازالۃ الرّان عن قلوب الاخوان در غیبت، از ابوعلی، احمد بن محمد بن جنید معروف بہ ابن جنید.
- کتاب کمال الدین از شیخ صدوق.
- رسالہ غیبت برای اهل ری از آن جناب.
- کتاب غیبت از شیخ جلیل، محمد بن مسعود عیاشی، صاحب تفسیر.
- کتاب رجعت نیز از او.
- کتاب غیبت از ابی عبدالله، محمد بن ابراہیم نعمانی و تملیذ ثقة الاسلام کلینی و این

- کتاب، از نفایس کتب مدونه در این باب است.
- شیخ مفید در (ارشاد) از آن مدح کرده و چنان ظاهر می شود که قبل از آن، بهتر از آن، تصنیفی در این باب نشده.
- رساله غیبت از شیخ مفید.
- کتاب مقنع در غیبت از سید مرتضی که برای وزیر مغربی نوشته.
- کتاب غیبت از شیخ الطایفه، ابی جعفر طوسی.
- کتاب برهان در طول عمر صاحب الزمان علیه السلام از ابوالفتح، محمد بن علی بن عثمان و علامه چکی آن را جزو کتاب کنزالفوائد خود کرده.
- کتاب احمد الزمان علیه السلام از محمد بن جمهور عمی، صاحب کتاب واحد.
- کتاب وقایع خروج قائم علیه السلام نیز از او.
- کتاب رجحان در غیبت از ابو عبدالله، محمد بن هبة بن جعفر وراق طرابلسی.
- کتاب غیبت انبیا و ائمه، علی بن حسین حمدانی که از سفراء امام علیه السلام است، چنانچه شیخ مستحسب الدین در رجال خود فرموده.
- کتاب توقیعات غیبت از عبد الله بن جعفر حمیری.
- کتاب جنا الجنّتين، فی ذکر ولد المکرمین علیهما السلام از قطب راوندی.
- کتاب سلطان الفرّج عن اهل الانوار، کتاب سرور اهل الایمان فی علائم ظهور صاحب الزمان علیه السلام و کتاب غایتها سفار نباء الدّین، علی بن عبدالکریم بن عبدالحمید حسینی نبلی جعفری، صاحب کتابت و کلمات و استاد ابن فهمد.
- بعضی احتمال داده اند که دو کتاب اخیر، یکی به امامان که شیخ حرّ عاملی در (امل الامل) در احوال سید مذکور، فرموده که از تصانیف انوار المصیئة است در احوال مهدی علیه السلام، اشتباه است. چه انوار المصیئة فی حکمة الشرعیة از کتبی است که نظیر ندارد؛ مشتمل است بر جمیع مسایل اصول دین و فروع و ابواب فقه و اخلاق و ادعیه و غیرها. اگر چه احوال آن جناب را در مجلد اول، در ضمن حالات سایر ائمه علیهم السلام بسطی داده، لکن کتاب، اختصاصی ندارد به آن حضرت.
- کتاب بحار الانوار مجلد سیزدهم که اجمع کتبی است که در غیبت نوشته شده. رساله رجعت نیز از آن مرحوم.
- کتاب کفایة المهدّی، فی احوال المهدی از سید محمد بن محمد لوحی حسینی

موسوی سبزواری، ملقب به مطهر و متخلص به نقیبی، تملیذ محقق داماد و بیشتر آنچه در آن کتاب نقل کرده، از کتاب فضل بن شاذان است که اولاً خبر را با سند و متن نقل کرده، آنگاه ترجمه نموده و نیز غیبت شیخ طرابلسی و غیبت حسن بن حمزه مرعشی در نزد او بوده و ما آنچه از این سه کتاب نقل کنیم به توسط این کتاب است. رساله شرعة التسمیة از محقق داماد رحمه الله.

رساله کشف التعمیة فی حکم التسمیة از شیخ محدث حر عاملی.

کتاب ایقاظ الهجعة فی اثبات الرجعة نیز از آن مرحوم.

■ رساله رجعت از امیر محمد مؤمن استرآبادی از مشایخ اجازه علامه مجلسی.

■ رساله حجت بر امام بردن اسم امام زمان علیه السلام از عالم محقق نحیر، شیخ سلیم ماخوری بحرانی.

■ رساله فلک المصنوع از جناب سید باقر قزوینی.

■ کتاب مولد قائم الموعود السیوم، کتاب محجة فیما نزل فی الحجة علیه السلام و کتاب تبصرة الولی فیمن رآه القیم الهدی علیه السلام هر سه از محدث خیر، سید هاشم توبلی بحرانی.

■ کتاب عوالم مجلد از آن کتاب غنی، فضل آقا آخوند ملا کاظم هزار جریبی، و آن مختصری است از ترجمه بحار یا ترجمه ای است از مختصر بحار.

■ رساله جنة الماء وی فیمن فاز بقاء الحجة علیه السلام فی الغیبة الکبری از حقیر و آن به منزله مستدرکی است از باب بیست و سوم، مجلد بیست و چهار، ترجمه سیزدهم بحار و ترجمه کمال الدین.

■ رساله غیبت از سید جلیل، سید دلدار علی نقوی هندی نصیر آبادی، که از فحول علمای آن بلاد بود و صاحب تصانیف رائقه بسیار و از جناب بحران رحمه الله اجازه دارد و این رساله، رد است بر اقوال عبدالعزیز دهلوی در غیبت جناب صلوات الله علیه و غیر آنها از مؤلفات که بعضی، دارای تمام حالات آن جناب است به قدر استعداد مؤلف و بعضی در تنقیح بعضی از امور متعلقه به آن حضرت صلوات الله علیه.

با این همه تصانیف، باز جمله ای از مطالب مربوط به آن جناب، در زوایای کتب اصحاب مانده که تاکنون در کتب غیبت، جمع نشده و چون این حقیر بی بضاعت، بنای استقصای مطالب موجوده در آن کتب را ندارم، لهذا به بعضی از مستطرفات حالات و نوادر امور منسوبه

به آن جناب و تنظیم بعضی از مطالب موجوده در آن کتب پرداخته، امید که بر اهل فضل و دانش، محاسن و منافع و لطایف و بدایع آن، مخفی و مستور نماند. وبالله التوفیق و علیه التکلان.

فهرست اجمالی

مطالب ابواب کتاب به نحو اجمال به جهت سهولت پیدا کردن هر مطلبی در بابش.
باب اول: در ذکر شمه‌ای از حالات ولادت با سعادت آن جناب صلوات الله علیه و نظم و ترتیب بدیعی که متضمن باشد مضامین غالب اخبار آن باب را با ذکر ماء خذ و حذف مکررات و اضافی از حال حکیمه خاتون سلام الله علیها.

باب دوم: در ذکر سامی و القاب و کنیه‌های آن حضرت علیه السلام که از صریح و فحوای کتاب و سنت و صحیح روایات و محدثین و علمای جال و غیرهم به دست آمده و آن یکصد و هشتاد و دو اسم است که در سه اطلاق میشود، چنانچه بیاید در باب چهارم.

باب سوم: مشتمل بر دو فصل:

فصل اول در شمایل آن جناب

با استقصای نام و ایجاز در کلام

فصل دوم در خصایص آن جناب علیه السلام خاصه الهیه که به آن حضرت علیه السلام شده یا خواهد شد بالنسبه به جمیع انبیاء و اوصیاء گذشته علیهم السلام یا بالنسبه به اکثر ایشان که معدودی در بعضی از آنها با آن جناب شرکت دارند آنرا نیز مذکور می شود از آنها در اینجا چهل و شش است.

باب چهارم: در ذکر اختلاف مسلمین در آن جناب و بعضی اتفاق ایشان در صحت صدور اخبار نبویه بر تحتم آمدن شخصی در آخر الزمان، همدم آن حضرت و ملقب به مهدی علیه السلام که پر کند دنیا را از عدل و داد و ذکر کتب مؤلفه از اهل سنت و اهل باطن آن جناب و محل اختلاف در چند جا است:

اختلاف اول در نسب که آن جناب از فرزندان کیست؟ و در آن چهار قول است:

اول آنکه: از اولاد عباس است.

دوم: علوی غیر فاطمی است.

سوم: آنکه حسنی است.

چهارم: آنکه حسینی است و بیان صحبت اینقول و ابطال آن سه، به نحو اوفی.
 اختلاف دوم در اسم پدر آن جناب و در آن دو قول است:
 اول: قول امامیه که نام پدر آن جناب حسن علیه السلام است.
 دوم: قول بعضی از عامه که نام او عبدالله است و ابطال این قول.
 اختلاف سوم در تشخیص و تعیین آن جناب و در آن ده قول است:

اول: قول کسانی که محمد بن حنفیه است یا پسر او.
 دوم: قول مغیره که محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام است.
 سوم: اسماعیلیه خالصه که اسماعیل پسر حضرت صادق علیه السلام است.
 چهارم: نادیم که حضرت صادق علیه السلام است.
 پنجم: مکیه که محمد بن اسماعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام است.
 ششم: واقفیه که حضرت باظم علیه السلام است.
 هفتم: عسکریه که حضرت عسکری علیه السلام است.
 هشتم: محمدیه که ابو جعفر محمد بن علی الهادی علیه السلام است.
 نهم: امامیه که خلف صالح، حجة بن الحسن العسکری علیه السلام است.

دهم: جمهور اهل سنت که مهدی را کسی تعیین نکنند و در آنجا ذکر نمودیم
 اسامی بیست نفر از علمای ایشان را از فقها و محدثین و علما که با امامیه در این مطلب موافقت با
 ذکر کلمات آنها و مدح و توثیق ایشان از علمای جل ایشان در حدیث مسلسل شیخ بلادی
 معروف که از خود آن حضرت روایت کرده و ذکر کرده شبهه ای از احادیث اهل سنت را بر امامیه
 در این مقام و جواب آنها به نحوی که در کمتر کتابی جمع شده و نه در آنجا ابطال نمودیم قول
 شاذی را که فرزند امام حسن علیه السلام وفات کرده.

باب پنجم: در اثبات نمودن مهدی موعود همان حجة بن الحسن عسکری علیه السلام
 از روی نصوص اهل سنت

و از آنها سی حدیث ذکر شده و نصوص امامیه، زیاده بر آنچه علامه مجلسی در جلد نهم
 و سیزدهم بحار نقل فرموده و آنها چهل حدیث با سند نقل شده و بیشتر آنها از کتب (غیب)
 فضل بن شاذان است.

باب ششم: در اثبات دعوای مذکوره از روی معجزات صادره از آن جناب
 زیاده از آنچه در ابواب دیگر متفرقا ذکر می شود و از غیر کتبی که علامه مجلسی ره از آنها

نقل فرموده و از آنها چهل معجزه نقل نمودیم.

باب هفتم: در ذکر آنان که در غیب کبری خدمت آن جناب رسیدند یا بر معجزه آنبزرگوار واقف شدند. ابر اثری از آثار دالّه بر وجود آن جناب که عمده غرض از تالیف این کتاب بود، در آنجا صد حکایت ذکر شده است. و قبل از شروع در آنها، ذکر شده نام آنان که در غیبت صغری خدمت آن جناب مشرف شدند یا واقف شدند بر معجزه‌های و در ذیل بعضی از آنها مطالب نایسه مناسبه درج شده است.

چنانچه در ذیل اول، کیفیت نماز منسوب به امام عصر علیه السلام از برای شدايد و حالت و حال مسجد جمکران در قم که به امر آن حضرت بنا شده، ذکر شده.

و در دوم قصه شهرهای فرزندان آن حضرت است، اثبات شده بودن عیال و اولاد برای آن جناب و امان وجود چنین بلاد در همین ارض در برّیا بحر و مستور بودن آن از انظار، حتی از عبور کدگاران، و حوادث و وقوع نظایر آن، به نحو اختصار و در ذیل سی و هفتم که قصه جزیره خضر است این مطلب، بر و حایان شده.

و در پنجم، اجمال اسماء شمس و حمّد، پسر اسماعیل هرقلی که زخم رانش را در سامره، حضرت شفا داد.

و در ششم، ذکر یکی از رقاع استعائه به آن حضرت که قلیل الوجود است. و در هفتم، تحقیق حال نرمی کف مبارک آن حضرت و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله ۲ یا در شستی و غلظت آن و اختلاف شرا و احاطت در قرائت (شتن الکفین) که در خبر شمایل است که با تائی قرشت است یا تاء نخذ.

در دهم، توضیح آنکه شارع تردّدات کتاب شرایع، حق تعالی است. و در یازدهم، بیانی از الطاف خفیه و هدايات خاصه الهیه که در ذکر اسامی معروفین از بنی طاووس که ارباب تصانیف اند.

و در ذیل نوزدهم، اشکال در خبر معروف اللهم شیعتنا منّا الخ و کلام شیخ رجب برسی. در بیستم، شرح نسبت هر روز از آیام هفته به امامی و کیفیت نماز هدیه که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام کرد و ترتیب آن در آیام هفته و ذکر تسبیح امام عصر علیه السلام که باید از روز هجدهم هر ماه خواند تا آخر ماه.

و در بیست و دوم، ذکر تسبیح امام عصر علیه السلام به سید رضی الدین آوی داد. و در بیست و هفتم، اشاره به این که وجود اماکن شریفه مانند مشاهد و مساجد و مقابر امام

زادگان و صلحا و مواضعی که یکی از حجج طاهره در آنجا قدم گذاشتند در بلاد، از نعم سنّیه الهی است.

و در بیست و هشتم، ذکر دعای معروف که باید در ماه رجب و مسجد صعصعه خواند.
و در سی و یکم، ذکر چند دعا که معروفند به دعای فرج.

در سی و یکم، ذکر خبر ثواب زیارت ابی عبدالله علیه السلام در شب جمعه که امام عصر علیه السلام حکم به صحت آن فرمودند.

در سی و هفتم که قصه جزیره خضراست، بیان اعتبار سند آن و حال فضل بن یحیی، راوی آن و ذکر باره‌ای نظایر آن و کلمات اشعریه در اماکن و جودا غرب از آن و اجمالی از حال جابلسا و قابلیت حج و مهم امام عصر علیه السلام از خمس، در آیام غیبت و تکلیف آنکه به دستش می‌افروید و سببه و سلوک امام زمان علیه السلام در غذا و لباس.

در سی و هشتم، بیان حال جناب میرزا محمد تقی الماسی.

و در پنجاه و یکم، ذکر بعضی از احجار که اسم امامی در آن منقوش شده بود.

و در پنجاه و دوم و سوم و چهارم و بیست و یکم، بیعت که برای شیخ مفید رحمه الله رسید و بیان عدد و اعتبار آنها و عذر عدم تعرض ذکر اسلامیه و آیت ظهیر در این کتاب.

در شصت و چهارم، بیان اختلاف نسخ و کتب کامله.

و در شصت و پنجم، ذکر بعضی از روایات ضعیفه کامله.

و در شصت و ششم، ذکر کرامتی از شیخ محمد پس صاحب معالم.

و در هفتادم، اختلاف نسخ زیارت جامعه و فضیلت عجله زیارت عاشورا.

و در نود و دوم، اشاره به بعضی از مقامات عالیّه صاحب کرامت، سید باقر قزوینی اعلی الله مقامه.

و در نود و ششم، اجمالی از احوال سید الفقها، جناب سید مهدی مروینی علیه السلام برادر زاده آن مرحوم.

در ذیل حکایت و در ذیل حکایت صدم، ذکر شبهه و استبعاد مخالفین در طول عمر امام زمان علیه السلام و ذکر بعضی از کلمات آنها و جواب از آنها مشروحاً و ذکر عبود که صاحب قاموس گفته که او هفت سال در صحرا خوابید و ذکر کلمات و شمه‌ای از تکالیف جماعتی از اهل سنت که دعوی رؤیت آن جناب را کردند در آیام غیبت و ذکر جمله‌ای از معمرین و حدیث غریبی در حال دجال که از اخبار صحیح‌ه ایشان است و حکایت عجیبی از الیاس نبی علیه السلام و شرح

حال معمر مغربی و سبب طول عمر او و بیان رفع توهم تعدد در او و بیان جواز طول عمر به قواعد نجومیه و بعضی فواید طریقه و مراد از خرابات در حکایت شصت و ششم.

باب هشتم: در جمع بین حکایات و قصص مذکوره و آنچه رسیده در اخبار که باید مدعی و غیبت کبری تکذیب نمود و بیان وجوب صرف آن اخبار از ظاهر خود و ذکر پنج وجه برای آنها از کلمات علما و مطاوی اخبار ظاهر می شود و ذکر تصریح جمعی از اعلام به امکان غیبت در ایام غیبت و بعضی از کلمات سید جلیل علی بن طاووس که ظاهر است در دعوی غیبت این مقام برای نفس خود.

باب نهم: در عذر داخل نمودن چند حکایت از در ماندگان در بیابان و غیر آنها در ضمن حکایات سابقه با نبودن شاهی در آنها بر اینکه آن نجات دهنده و فریادرس، امام عصر علیه السلام بوده؛ چنانچه سایر علما ذکر کردند و بیان آنکه به هراممی برای کدام حاجت باید متوسل به او شد؛ و آنکه اغاثه ملهوفین، از مناصب خاصه امام زمان علیه السلام است و ذکر لقب غوث و قطب و منتهی السالچ برای آن جناب و کلام شیخ کفعمی در ذکر قطب و او تاد و ابدال و نجبا و صلوات شیخ آقا بر آن فریادرس و نجات دهنده به نحو خارق عادت یا خود آن جناب است یا از خواص مضرب یوسف بر تقدیر نبودن آن شخصیکی از این دو احتمال بودن او یکی از اولیا، باز دلالت کند بر اصل حق بودن که وجود آن جناب است.

باب دهم: در ذکر شمه ای از تکالیف بعد، بالنسبه به آن جناب و آداب و رسمبندی و عبودیت خلق بالنسبه، به ایام غیبت و از آنها است نیز ذکر شده:
اول: مهموم بودن برای آن جناب و برای آن سبب ذکر شده.
دوم: انتظار فرج و ثواب فضل آن.

سوم: دعا کردن از برای حفظ آن وجود مبارک و از دعاها ماثوره مطلقه و موقته، هفت دعا برای این حاجت ذکر شده.

چهارم: صدقه دادن برای سلامتی وجود آن شخص معظم.

پنجم: حج کردن یا حجه دادن برای آن ولی النعم.

ششم: برخاستن از برای تعظیم شنیدن اسم مبارک آن حضرت.

هفتم: دعا کردن از برای حفظ دین و ایمان خود، از شر شبهات شیاطین جن و انس داخلی و خارجی در ظلمات ایام غیبت و از ادعیه ماثوره هفت دعا برای این مطلب ذکر شده.

هشتم: استمداد و استعانت و استکفا و استغااثت به آن جناب در هنگام شداید و احوال و

کیفیت توسل و یکی از رقااع استغاثه و اشاره به بعضی از مقامات آن جناب در علمو قدرت الهیه و احاطه به رعایا و جهات تشبیه آن جناب در غیبت، به آفتاب زیر سخا و ذکر یکی از توسلات معروفه و مجربه به آن حضرت.

باب یازدهم: در ذکر پاره‌ای از ازمه و اوقات که اختصاص دارد به امام عصر علیه السلام و تکلیف رعایا در آن اوقات بالنسبه به آن جناب و از آنها هشت وقت ذکر شده:

۱. شب قدر، بلکه بر دو شب معهود.

۲. روز جمعه.

۳. روز عاشورا.

۴. چهار روز از هر یک از آفتاب تا غروب آن در هر روز.

۵. عصر دو شبیه.

۶. ششم: عصر پنجشنبه.

۷. هفتم: شب و روز نیکو بیان.

۸. هشتم: روز نوروز و در هر یک از اعمال و آداب و ادعیه متعلقه به آن و سبب نسبت

آنوقت را به آن جناب بیان نمودیم.

و در آخر باب، اشاره شد به اختصاص آنرا مکنه منسوبه به آن جناب و نیز حضور آن

حضرت در تشییع جنازه هر مؤمنی.

باب دوازدهم: در ذکر اعمال و آدابی که شاید بتوان به کمک آنها، به سعادت ملاقات و شرف

حضور باهر النور امام عصر صلوات الله علیه رسید، چه بشتابند و چه ناسد، در خواب یا بیداری

و اثبات آنکه مواظبت عملی، از کردنیها و گفتنیها، خوب یابد، در هر چه روز، سبب تاءثیر و

افاضه صورتی و انتقال از حالتی است به حالتی. والله العالم.